

دادگاه‌های اقتصادی جایگزین محاکم تجاری با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی فرانسه و بلژیک

سعید جوهر^۱، شکرالله نیکوند^{۲*}

چکیده:

محاکم تجاری برای نخستین بار در سال ۱۳۰۴ در نظام قضایی ایران تشکیل شده‌اند اما پس از مدت نسبتاً کوتاهی حذف شدند. قانونگذار در سال‌های اخیر به دنبال برپایی دادگاه‌های تجاری و تدوین لایحه آیین دادرسی تجاری بود که این طرح نیز به سرانجام نرسید و از دستور کار مجلس خارج شد. یکی از دلایل این تصمیم، ابهام در مفهوم اعمال تجاری در حقوق ایران عنوان شد که می‌تواند در تشخیص صلاحیت این محاکم مشکل ایجاد کند و باعث اطاله روند دادرسی شود. در مورد این ایراد، تلاشی جهت رفع آن و بررسی معیارهای اعمال تجاری در سایر کشورها صورت نگرفت. مطالعه در نظام قضایی بلژیک جایی که گام‌های ابتدایی برای جایگزینی دادگاه‌های اقتصادی با دادگاه‌های تجاری برداشته شده می‌تواند در این مسئله بسیار الهام‌بخش باشد. قانونگذار این کشور از معیار «اعمال تجاری» گذر کرده و مفهوم «اقتصادی بودن» را ضابطه صلاحیت قرار داده است. ضابطه‌ی فعالیت اقتصادی نه تنها می‌تواند اختلافاتی را که در قالب مفهوم تجاری نمی‌گنجد بدون ایجاد ابهام وارد صلاحیت این محاکم کند و به عبارت دیگر صلاحیت محاکم تجاری را گسترش دهد، بلکه باعث نیل به یکی از اهداف تشکیل این محاکم که رشد و توسعه اقتصادی است، می‌شود.

واژگان کلیدی: دادگاه تجاری، اعمال تجاری، بنگاه اقتصادی، صلاحیت دادگاه.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

** استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

طرفین دعوای تجاری، دادگاه را به عنوان آخرین مرجع، هنگامی تمامی راه‌های دیگر برای حل و فصل دعوا با شکست شد، انتخاب می‌کنند. از همین رو این مرجع باید به نحو موثر و مطلوبی در قضیه تصمیم‌گیری کند. برای این منظور نه تنها لازم است که توانایی و مهارت لازم را داشته باشد، بلکه تصمیم اتخاذ شده باید با شرایط و انتظارات تجاری طرفین متناسب باشد (کیتز^۱، ۱۹۹۸: ۳۹). رسیدگی تخصصی به دعوای تجاری توسط فردی آشنا به حوزه قوانین و عرف‌های تجاری با آئین دادرسی ویژه و اختصاصی از چالش‌های اصلی تشکیل محاکم تجاری محسوب می‌شود.

در حوزه حقوق تجارت زمانی که صحبت از مرجع حل و فصل اختلاف می‌شود، بلافاصله بحث داوری تجاری پیش می‌آید. دلایل زیادی برای کارآیی نهاد داوری در رفع اختلافات تجاری آورده شده، مانند سرعت حل اختلاف، رسیدگی تخصصی و... که مورد قبول نظام‌های حقوقی کشورها قرار گرفته است. با وجود این، دادگاه‌های تجاری نیز مورد پشتیبانی نظام‌های حقوقی قرار گرفته‌اند؛ زیرا محدودیت‌های ناشی از ماهیت قراردادی داوری مانند عدم امکان جلب ثالث (هانگ^۲، ۲۰۱۵: ۱۹۵) و همینطور عدم قابلیت داوری برخی از دعاوی^۳ و تاخیر در برپایی نهاد داوری و اجرای رای از سوی محکوم علیه، بازرگانان را به سوی محاکم رسمی متمایل می‌کند.

در حقوق ایران فکر تشکیل محاکم تجاری به حدود صد سال قبل باز می‌گردد. اما عمر این محاکم به درازا نکشید. در سال‌های اخیر قانونگذار مجدداً به سراغ احیای این محاکم رفته است. در همین راستا، لایحه آیین دادرسی تجاری بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۵ هیئت وزیران به تصویب رسیده و در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ اعلام وصول شده و جهت بررسی به کمیسیون‌های مرتبط ارجاع گردیده است. در این لایحه به جهت رسالتی که برای دادگاه‌های تجاری در نظر گرفته شده، سعی شده ویژگی تخصصی بودن در تمام ارکان این دادگاه‌ها لحاظ شود؛ در نتیجه صلاحیت دادگاه تجاری به موارد ذیل اختصاص یافته است:

^۱ katz

^۲ Hwang

۳. بند ۱ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی در احصا دعاوی که قابل ارجاع به داوری نیست، به دعوای ورشکستگی اشاره نموده است. گرچه مباحث مربوط به مالکیت‌های فکری و صنعتی امروزه تا حد زیادی از حقوق تجارت استقلال یافته اما به دلیل آنکه در برخی حوزه‌ها، مانند ثبت علائم تجاری، این دو مقوله به یکدیگر نزدیک می‌شوند، دادگاه‌های تجاری به دعوای مربوط به مالکیت فکری نیز رسیدگی می‌کنند. بند ۶ ماده ۲۵ لایحه آیین دادرسی تجاری نیز رسیدگی به این قسم از دعاوی را صراحتاً در صلاحیت دادگاه تجاری می‌داند. در این حوزه‌ها نیز چون بحث نظم عمومی مطرح است؛ امکان ارجاع دعوی به داوری وجود ندارد. با این توضیح برخی دعاوی بسیار مهم و حساس تجاری قابل ارجاع به داوری نیستند و برای رسیدگی به آن‌ها نیاز به وجود یک دادگاه دولتی تجاری و قضاتی متخصص در این امور می‌باشد.

«دعاوی ناشی از اعمال تجاری که طرفین یا یک طرف آن تاجر باشد، دعاوی ناشی از امور شرکت‌های تجاری، دعاوی توقف و تصفیه و دعاوی مرتبط با آنها، دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی...»^۱ در اظهار نظر کارشناسی درباره «لایحه آیین دادرسی تجاری» که در ۱۳۹۵/۰۶/۳۱ توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شد و متعاقب آن لایحه از دستور کار کمیسیون خارج شد، اینگونه آمده است: «به دلیل ابهام موجود در نظام حقوقی در خصوص تاجر و اعمال تجاری لذا تشکیل دادگاه تجاری به جهت اختلافی که در صلاحیت با دادگاه‌های عمومی حقوقی خواهد داشت، نه تنها کمک چندان به دادگستری نمی‌کند بلکه خود عامل ایجاد اطاله دادرسی می‌گردد.» این ایراد در نوع خود قابل اعتنا است چرا که باعث خروج لایحه مزبور از دستور کار مجلس شورای اسلامی شد. در پژوهش حاضر، به دنبال پیشنهاد طرح جدیدی در خصوص صلاحیت محاکم اختصاصی بازرگانان هستیم. در این طرح که با مطالعه در نظام حقوق بلژیک همراه است، خواهیم دید چگونه نظام حقوقی این کشور از تاکید بر مفهوم «تجاری بودن» در تشخیص صلاحیت این محاکم دست کشیده و بر معیار ملموس‌تری تحت عنوان «اقتصادی بودن فعالیت» پناه برده است. برای ورود به بحث ابتدا ذکر مقدماتی در خصوص ضرورت رسیدگی تخصصی به دعاوی حوزه تجارت و اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است و همچنین سابقه‌ی دادگاه‌های تجاری در حقوق ایران ضروری به نظر می‌رسد.

۱. ضرورت رسیدگی تخصصی به دعاوی حوزه بازرگانی و اقتصاد

دادگاه اختصاصی به معنی ایجاد دادگاه‌هایی با صلاحیت محدود و مشخص و آیین دادرسی خاص است. تخصص‌گرایی در دادگاه‌ها به دو شیوه اعمال می‌شود. اولین روش، آیین و شیوه‌ی دادرسی تخصصی است که جدا از آیین دادرسی عمومی اعمال می‌شود. دومین روش، استفاده از قضاتی است که تخصص ویژه‌ای در رسیدگی به دعاوی خاصی داشته باشند. معمولاً مثالی که برای این نوع از تخصص‌گرایی می‌شود، دادگاه‌های خانواده است (کمیته موقت دادگاه تجاری، ۱۹۹۷: ۹۵۰)؛ دادگاه‌های اختصاصی برای رفع سه مشکل تشکیل می‌شوند:

اول، سیل پرونده‌هایی است که به شکل فزاینده‌ای با گسترده شدن روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. از همین رو نیاز به دادگاه‌های اختصاصی با آیین دادرسی خاص که فرآیند رسیدگی به پرونده را سرعت می‌بخشد، احساس می‌شود.

دوم، دادگاه‌های اختصاصی نیاز فزاینده به حضور متخصص، در حوزه‌های پیچیده‌ی حقوق را پاسخ می‌دهد. استفاده از متخصصین وقتی که حوزه مورد نظر پیچیدگی‌های خاصی دارد و یا امور موضوعی آن، برای غیرمتخصصین سخت است، کیفیت دادرسی را بالا می‌برد. معمولاً در

۱. ماده ۲۵ لایحه آیین دادرسی تجاری ایران

دادگاه‌های تجاری، باید انتظارات تجاری طرفین اجرایی شود. برای این منظور پیش از هر چیز لازم است که قاضی از انتظارات تجاری طرفین آگاهی داشته باشد (گالبریت^۱، ۲۰۰۲: ۸۴۸). قضاتی که آشنایی کمی با دنیای تجارت دارند نمی‌توانند این منظور را برآورده سازند. البته آشنایی با عرف تجاری کار راحتی نیست؛ از آن سبب که عرف تجاری دائماً تغییر می‌کند. همین مسئله ضرورت بررسی تخصصی موضوع را توجیه می‌کند. در واقع بین آشنایی به حقوق تجارت و عرف تجاری باید تفکیک قائل شویم. این دو مسئله کاملاً متفاوت است، آنچه که ضرورت تشکیل دادگاه تجاری را ایجاد می‌کند، اعمال عرف تجاری است. علاوه بر مورد اخیر ممکن است قضات دادگاه در یافتن امور موضوعی این حوزه دچار مشکل شوند. در دعاوی که مبتنی بر امور بسیار تکنیکی است مانند مباحث فینانس چند جانبه یا اختلافات مربوط به مالکیت فکری، پیروزی یا شکست در دعوا وابسته به فهم درست قاضی از شواهد پرونده است. زیرا آنچه که برای یک متخصص بسیار ساده و راحت است، می‌تواند برای یک غیر متخصص بسیار پیچیده باشد.^۲

سومین دلیل طرفداران ایجاد دادگاه اختصاصی این است که این دادگاه‌ها موجب از بین رفتن تشتت آرا و رویه‌های مختلف در بین دادگاه‌ها می‌شود. رسیدگی به دعاوی پیچیده و متعدد در یک محکمه اختصاصی به وحدت رویه قضایی کمک می‌کند. از این سبب گفته می‌شود تا جایی که وحدت رویه، یک هدف در نظام‌های حقوقی به شمار می‌آید، ایجاد دادگاه‌های تخصصی به این مهم کمک می‌کند (روسز^۳، ۱۹۹۰: ۱۱۲۱). بی‌تردید این دلایل در ذهن قانونگذار ایران وجود داشته که قریب به صد سال قبل، دست به تشکیل این محاکم زده است. از جمله فواید رسیدگی تخصصی به دعاوی تجاری می‌توان به رعایت اصل سرعت در رسیدگی تجاری و کاهش هزینه‌ها در رسیدگی به دعاوی تجاری نام برد (افتخار جهرمی و دیگران، ۱۳۹۶، ۵۹). از این رو گفته شده که قاضی دادگاه تجاری باید بتواند آثار احکام خود را بشناسد و در صدد کاهش هزینه دعاوی برآید. او نیاز دارد که تئوری و دانش تجارت را داشته باشد و آثار اقتصادی قواعد حقوقی را بداند (استربرو^۴، ۱۹۸۹: پ ۸۷۷).

هر چند ایراداتی مانند سیاسی کاری در روند انتصاب (باوم، ۲۰۰۰: ۸۲۳-۸۳۱)، خطر اعمال نگرش محدود و تنگ‌نظرانه^۱ (ادوارد^۲، ۲۰۰۸: ۵۱۹-۵۷۲) و تشخیص دشوار صلاحیت (سارنگ^۳، ۲۰۰۵:

^۱ Galbraith

^۲ what an expert considers to be "everyday bread and butter ... may well be a minefield" for a non-specialist judge

^۳ Revesez

^۴ Easterbroo

^۱ از این ایراد با اصطلاح نگاه تونلی (Tunnel vision) یاد شده است. از آن جهت که دادگاه‌های تخصصی از کل نظام حقوقی مجزا هستند و احتمال دارد که دکتربین منحصر به فرد و آیین بخصوصی را ایجاد کنند که سازگار با کلیت نظام

(۱۲۸۴) به دادگاه‌های تجاری وارد است که مورد اخیر مورد مطالعه در این نوشته است.

۲. سابقه‌ی محاکم تجاری در حقوق ایران و فرانسه و صلاحیت آن‌ها

۲-۱. ایران

نظام قضایی ایران سال‌ها تجربه دادگاه‌های تجاری را داشته است و چندان با این نهاد بیگانه نیست. چیزی که نشان می‌دهد در حقوق ایران مانند سایر نظام‌های حقوقی به اهمیت و لزوم وجود این دادگاه‌ها در کنار مقررات ماهوی حقوق تجارت، توجه شده است. در سال ۱۳۰۱ ه.ق اولین دادگاه تجاری که در حقیقت یک مرجع صنفی برای رسیدگی به دعاوی میان تجار بود، در دیوان خانه تشکیل شد. پس از صدور فرمان مشروطیت قانون دیگری در زمینه امور بازرگانی تحت عنوان قانون موقتی محاکم تجارت در ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ ه.ق به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۶۲ ماده بود و علاوه بر تشریح ساختار و ترکیب محاکم تجارت به وضع قواعد ویژه‌ای در خصوص آیین دادرسی این محاکم می‌پرداخت. در تاریخ ۱۳۰۴/۱۱/۱۴ با تصویب قانون تشکیل محاکم تجارت توسط کمیسیون وزارت عدلیه حیات این دادگاه‌ها تداوم یافت (قاسمی حامد و دیگران، ۱۳۹۵، ۴۱). اما به دلیل عدم موفقیت این محاکم در اجرای هدف قانونگذار، قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷ ه.ش در موارد ۴۳ تا ۴۷ خود، تغییراتی در ساختار این قانون از حیث حضور عضو تجاری ایجاد کرد و "قانون تسریع محاکمات" در سال ۱۳۰۹ ه.ش در قسمت پنجم خود که مربوط به دعاوی تجاری بود، با پیش‌بینی دادرسی اختصاری و نسخ قانون ۱۳۰۷، این دعاوی را در صلاحیت محاکم عمومی قرار داد و به این ترتیب عمر محاکم تجاری در ایران تمام شد.

چنانچه در مقدمه آمد، قانونگذار در سال‌های اخیر دوباره به فکر تشکیل محاکم تجاری افتاد و صلاحیت این دعاوی را در ده بند تعریف کرد. نویسندگان لایحه به تبعیت از حقوق فرانسه «اعمال تجاری»^۴ تجار را موضوع اصلی صلاحیت دادگاه‌های تجاری قرار داده‌اند. در بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۵ لایحه مذکور، دعاوی ناشی از اعمال تجاری که طرفین یا یک طرف آن تاجر باشد و دعاوی ناشی از امور شرکت‌های تجاری، از قبیل تشکیل، تصمیمات مجمع عمومی و مدیران، اقدامات بازرسان، نقل و انتقال سهام و سهم‌الشرکه، منافع و سود سهام و صورت‌های مالی در صلاحیت محاکم تجاری قرار گرفته است.

اعمال تجاری در ماده دو قانون تجارت ۱۳۱۱ تعریف شده‌اند و احتیاج به ذکر آن‌ها دیده

حقوقی نباشد. برعکس اگر ما وکیل متخصص را مجبور کنیم که در مقابل قاضی عمومی استدلال کند می‌تواند به رشد و تعمیق حقوق کمک بیشتری کند.

2. Edward
3. Sarang
4. Acts de commerce

نمی‌شود. بدیهی است که اعمالی غیر مرتبط با تجارت تاجر، در حوزه صلاحیت دادگاه تجاری قرار نمی‌گیرد. در حقوق فرانسه مطابق ماده ۳-۷۲۱ قانون تجارت، به اختلافات ناشی از تعهدات فی مابین تجار، مابین موسسات اعتباری و شرکت‌های مالی و یا اختلافات درونی، در دادگاه تجاری رسیدگی می‌شود. دادگاه تجاری همچنین دعاوی مربوط به اختلافات بین تاجر وقتی که به طور صریح در صلاحیت این نهاد قرار نگرفته باشد، رسیدگی می‌کند (کادیت^۱، ۲۰۰۹: ۲). اما نکته حائز اهمیت این است که نویسندگان لایحه بر خلاف حقوق فرانسه و حتی حقوق بلژیک دعاوی که یک طرف آن تاجر است را در صلاحیت این محاکم قرار داده‌اند.

نویسندگان لایحه در بند اول ماده ۲۴ اشاره کرده‌اند که دعاوی ناشی از اعمال تجاری مابین تاجر یا بین تاجر و غیر تاجر در صلاحیت این دادگاه است. روشن نیست که این موضع نویسندگان لایحه در خصوص شرکت‌های تجاری موضوع بند ۲ این ماده نیز جاری است یا خیر؟ زیرا در بند دوم اشاره به آن نشده است. اما این موضع قانونگذار قابل نقد است. چرا باید دعوا بین تاجر و غیر تاجر در دادگاه تجاری مورد رسیدگی قرار گیرد؟ این دادگاه‌ها به منظور رسیدگی تخصصی دعاوی حوزه بازرگانی و با حضور مشاورانی که از حوزه بازرگانی انتخاب شده است، تشکیل شده‌اند. در واقع قانونگذار نگاه و توجه ویژه‌ای به این قشر داشته است. از همین رو الزام فرد عادی به طرح دعوا علیه تاجر در این نهاد می‌تواند غیر عادلانه تلقی می‌شود. نمی‌توان دلیل محکمی آورد که به موجب آن، فرد عادی از مراجعه به محاکم عادی محروم می‌شود و مجبور شود به یک محکمه اختصاصی مراجعه نماید. این امر می‌تواند مخالف اصول دادرسی عادلانه باشد. دادرسی عادلانه اقتضا دارد که مرجع رسیدگی‌کننده به دعوا بنا به شغل و وصف یک طرف دعوا تعیین نشود. هنگامی که فردی در صدد طرح دعوی علیه تاجر است، عادلانه نیست که بر مبنای وصف طرف دعوا، از رجوع به مرجع عمومی محروم شود. دعوی غیر تاجر علیه تاجر می‌تواند دعوایی بسیار مرسوم و عادی باشند که مراجع عمومی به طور معمول به آن رسیدگی می‌کنند. لزوم طرح این دعوا در دادگاه تجاری این ظن را برای خواهان بوجود می‌آورد که دادرسی عادلانه و برابر در انتظار او نیست.

شاید به همین دلیل است که در حقوق بلژیک و حتی حقوق فرانسه برای غیر تاجر حق انتخاب پیش‌بینی شده است که بین مرجع عمومی و دادگاه تجاری دست به انتخاب بزند. (هاتکرف^۲،

^۱ Cadiet

^۱ Houtcierff

۲. تجاری که در دفتر ثبت تجاری ثبت‌نام کرده‌اند و شرکت‌ها و رؤسای شرکت‌ها که در دفتر ثبت تجاری ثبت‌نام نموده‌اند، شرکت‌ها و نهادهای عمومی‌ای نیز که مشغول به کار صنعتی و تجاری هستند و مرکز آن‌ها در همان ناحیه است می‌توانند به وسیله یک نماینده مسئول جز رأی‌دهندگان باشند.

۲۰۱۶: ۴۰) در این صورت فرد غیر تاجر می‌تواند بعد از آگاهی از شرایط دادرسی تجاری، مرجع مورد نظر خود را انتخاب کند.

۲-۲. فرانسه

در حقوق فرانسه ویژگی اصلی محاکم تجاری این است که از قضاتی تشکیل شده‌اند که شاغل در کار قضایی نیستند؛ بلکه تجاری هستند که به وسیله خود تجار برای مدت مشخصی انتخاب شده‌اند. هر محکمه تجاری از قضاتی تشکیل شده که تعداد آن‌ها بسته به اهمیت کار آن محکمه ممکن است متفاوت باشد. به طور مثال در شهرهای بزرگ صنعتی و تجاری، تعداد قضات بسیار زیاد است. محکمه تجاری شهر لیل فرانسه از ۳۷ قاضی تشکیل شده است.

انتخاب قضات این دادگاه در نظام حقوقی فرانسه از میان شورای نمایندگان هر منطقه صورت می‌گرفت که این نمایندگان توسط تجار و صاحبان صنایع انتخاب می‌شوند.^۲ همه کسانی که رأی‌دهنده‌اند می‌توانند جزء شورای نمایندگان شوند. دیگر اعضای شورای نمایندگان عبارتند از اعضای فعلی دادگاه‌های تجاری و اعضای اتاق بازرگانی و صنایع و همین‌طور اعضای سابق دادگاه تجاری و اتاق بازرگانی و تجارت.

البته برای قاضی شدن در دادگاه تجاری همه افرادی که در لیست انتخابی شورای نمایندگان ثبت نام کرده‌اند، باید شرایطی تکمیلی نیز داشته باشند. داشتن حداقل سی سال سن و حداقل پنج سال سابقه فعالیت تجاری (ماده ۴۱۳-۳ تشکیلات قضایی) از جمله این شرایط است. البته افرادی که در فرآیند اعاده اعتبارند یا در حال تصفیه قضایی هستند نمی‌توانند کاندیدا شوند.

قضات در اولین انتخاب برای دوره‌ای دو ساله انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد آن‌ها بلامانع است (ماده ۷-۴۱۲ قانون تشکیلات قضایی) اما پس از چهارده سال دیگر برای یک دوره نمی‌توانند انتخاب شوند (ماده ۴-۴۱۳ قانون تشکیلات قضایی). این مقررات برای اجتناب از این است که قضات مدت طولانی بر مستند باشند بدون اینکه فرصت به جوانان برسد (لوس کیدت^۳، ۲۰۰۰: ۹) قضات دادگاه‌های تجاری مقررات ویژه‌ای دارند. برای مثال فعالیت آن‌ها مجانی خواهد بود و برای کاری که انجام می‌دهند هیچ دستمزدی نمی‌گیرند. (ماده ۴-۴۱۲ قانون تشکیلات قضایی)

رئیس دادگاه تجاری در مجمع عمومی قضات دادگاه‌های تجاری برای چهار سال انتخاب می‌شود. طریقه انتخاب به این صورت است: اکثریت مطلق در مرتبه اول و دوم و در مرتبه سوم اکثریت نسبی. برای کسب این منصب می‌بایست حداقل تجربه قضات در دادگاه تجاری داشته باشد (ماده ۱۱-۴۱۲ قانون تشکیلات قضایی). رئیس دادگاه تجاری مناصب دیگری دارد که برخی از آن‌ها قابل مقایسه با رئیس دادگاه‌های عمومی است. او نه تنها می‌تواند به قضاوت به عنوان

قاضی بپردازد، بلکه مدیریت این تشکیلات را بر عهده دارد. علاوه بر این رئیس مجامع عمومی نیز هست. مجمع عمومی که تمام قضات دادگاه تجاری را گرد هم می‌آورد، کارکردی مطلقاً غیرقضایی و اداری دارد. مجمع عمومی در مورد تمام مسائلی که می‌تواند مربوط به اداره دادگاه شود تصمیم می‌گیرد. رئیس دادگاه تجاری می‌تواند رئیس دادگاه و همینطور رؤسای شعب را انتخاب کند.

دادگاه تجاری معمولاً علنی است و طبق قاعده عمومی قضات مستشار فرد هستند (سه یا پنج نفر) تصمیم باید با مشارکت حداقل سه نفر گرفته شود (ماده ۱-۴۱۲ قانون تشکیلات قضایی) مسائل مطروحه به بحث گذاشته می‌شود و تصمیم به صورت علنی گرفته می‌شود. در هر صورت، در شرایط استثنایی وقتی که قانون انتشار بحث‌ها را ممنوع می‌کند، دادگاه تجاری باید در اتاق شورا برگزار شود (برای مثال در برخی موضوعات در مورد اعاده دادرسی و تصفیه قضایی شرکت‌ها). البته اخیراً بحث‌هایی بر روی اصلاح ساختار دادگاه‌های تجارت مخصوصاً در رابطه با صلاحیت این دادگاه در خصوص تصفیه شرکت‌ها شده است. این اصلاحات به دنبال این است که ریاست بعضی از شعب را به یک قاضی شاغل در کار قضایی بسپارد. (لوئیس کیدت^۱، ۲۰۰۰: ۸)

۳. معیار صلاحیت محاکم تجاری

۳-۱. صلاحیت دادگاه‌های تجاری در حقوق فرانسه

دادگاه تجاری از آن جهت که مرجعی استثنائی محسوب می‌شود، تنها در چهارچوب مقررات قانونی می‌تواند دادرسی را شروع کند. این ویژگی در بسیاری از موارد موجب بروز مشکلاتی می‌شود. در حقوق فرانسه این مشکل با فرمان ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی ایجاد شده است؛ زیرا از رویه متن ماده ۶۳۱ قانون تجارت سابق در خصوص صلاحیت دادگاه تجاری پیروی نکرده بود (این قانون در سال ۱۹۹۱ ابطال شد). بدون اینکه توجه داشته باشد که رویه عملی به قانون قدیم عادت کرده بود. سردرگمی ناشی از قانون جدید باعث شده است که بعضی از وکلا برای اطلاع دادرسی به ایراد عدم صلاحیت دادگاه تجاری دست بزنند. البته این رویه در قانون ۱۵ می ۲۰۰۱ در ارتباط قواعد جدید اقتصادی متوقف شد. این قانون جان تازه‌ای به ماده ۶۳۱ قانون قدیم داد. این مقررات در آخر امر وارد ماده ۳-۷۲۱ قانون تجارت شد، که قانون اخیر مرجع اصلی در تشخیص صلاحیت دادگاه تجاری است.

^۱ Loic Cadiet

۳-۱-۱. صلاحیت در مورد اختلاف بین تجار

مطابق ماده ۳-۷۲۱ قانون تجارت، به اختلافات ناشی از تعهدات فی مابین تجار، مابین مؤسسات اعتباری و شرکت‌های مالی و یا اختلافات درونی، در دادگاه تجاری رسیدگی می‌شود. دادگاه تجاری همچنین به دعاوی مربوط به اختلافات بین تجار وقتی که به طور صریح در صلاحیت این نهاد قرار نگرفته باشد، رسیدگی می‌کند. در نتیجه دادگاه تجاری از دادگاه عمومی به عنوان مرجع عام سلب صلاحیت می‌کند. البته در زمانی که یک طرف دعوا تاجر نیست، او اختیار دارد بین دادگاه عمومی و تجاری دست به انتخاب بزند. (دیمتری هوتکیرف^۱، ۲۰۱۶: ۴۰)

۳-۱-۲. صلاحیت در مورد اعمال تجاری

ماده ۳-۷۲۱ قانون تجارت، صلاحیت دادگاه تجاری را در مورد "دعاوی مربوط به شرکت‌های تجاری" و "اعمال تجاری که بین همه اشخاص پدید می‌آید" به رسمیت شناخته است. در واقع اعمال تجاری که از روی لیست قانونی انجام می‌گیرند در صلاحیت این دادگاه قرار داده شده است. البته این دادگاه در مواردی که اختلاف صریحاً در صلاحیت دادگاه دیگری قرار دارد مانند اختلافات در مورد سرقفلی اماکن تجاری که در صلاحیت دادگاه عمومی است، نمی‌تواند وارد رسیدگی شوند.

۳-۱-۳. دعاوی با بهای اندک

مطابق ماده تازه یاد شده، دادگاه‌های تجاری همچنان صلاحیت رسیدگی به دعاوی کم‌بها را دارند. این متن از رویه‌ای اروپایی پیروی کرده با این هدف که به حل و فصل دعاوی با ماهیت بین‌المللی سرعت ببخشد. مطابق این رویه حکمی که در یکی از دادگاه‌های اتحادیه صادر شده، در کشور دیگر بدون این که نیاز به شناسایی آن باشد، اجرایی می‌شود. از اول ژوئن ۲۰۱۶، به منظور کاهش دعاوی، دادگاه تجاری، طلب‌هایی را که مبلغ آن‌ها بیش از چهارهزار یورو نیست، در چهارچوب یک دادرسی اختصاری مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

حقوق فرانسه اگرچه به عنوان منبع اصلی در نظام حقوقی رومی ژرمن شناخته می‌شود، اما در خصوص بحث صلاحیت دادگاه تجاری، کشور بلژیک دست به نورآوری‌های جدیدی زده است که در نوع خود بی‌سابقه است. از همین رو مطالعه آن می‌تواند دید تازه‌ای در بحث صلاحیت دادگاه تجاری بوجود آورد.

۳-۲. صلاحیت دادگاه‌های تجاری در حقوق بلژیک

دادگاه‌های تجاری در این کشور پیشینه‌ای بسیار طولانی دارند که به قرون وسطی هم کشیده

¹ Dimitri Houtcierff

می‌شود. این محاکم سالیان سال با هدف سرعت بخشیدن به حل دعاوی بین تجار به کار خود ادامه داده‌اند. اما با گذشت زمان بازیگران دیگری در حوزه بازار ظاهر شدند که شباهتی با مفهوم کلاسیک تجار نداشتند. کم‌کم، مفهوم سنتی «تجارتی»^۱ برای این پدیده (دادگاه‌های تجاری) ناکافی بنظر رسید و در نتیجه مفهوم جدیدی در دکترین حقوقی به نام «دادگاه اقتصادی»^۲ متولد شده است که ارگان حل و فصل اختلافات تجاری بین همه بازیگران دنیای اقتصاد است؛ با هر شکل و فرم حقوقی که داشته باشند (موگنات^۳، ۲۰۱۴: ۵۹۷).

در ورای مفهوم کلاسیک تجاری، دادگاه اقتصادی می‌تواند خود را در اختلافات ناشی از فعالیت‌های غیرتجاری نیز صالح بداند (قانون ۳۱ ژانویه ۲۰۰۹ بر تداوم شرکت‌ها) و همچنین بر روند تصفیه‌ی همه‌ی شرکت‌ها و اشخاص حقوقی و همچنین توقف همه‌ی فعالین اقتصادی که تاجر نیستند، نظارت کند. (قانون ۶ آوریل در مورد عرف بازار و حمایت از مصرف‌کنندگان) قانون ۲۶ مارس سال ۲۰۱۴ که به نام «قانون قاضی طبیعی»^۴ معروف شده، صلاحیت محاکم تجاری را به نحو گسترده‌ای افزایش داده است. در آخرین اصلاحات، صلاحیت دادگاه تجاری از دو جهت گسترش یافت. اول دادگاه تجاری صلاحیت رسیدگی به دعاوی همه فعالین اقتصادی که در معنی دقیق کلمه تاجر محسوب نمی‌شوند را از دادگاه عمومی گرفت. دوم، این دادگاه نیز صلاحیت قاضی صلح را در رسیدگی به دعاوی کوچک تجاری که ارزش آن‌ها کمتر از ۱۸۶۰ یورو است، سلب کرد و به همین دلیل به مانند دادگاه کار، صلاحیت دادگاه تجاری در حال حاضر محدود به مبلغ خاصی نیست.

قبل از اصلاحات، محکمه‌ی تجارت مطابق ماده ۵۷۳ قانون تشکیلات قضایی برای شروع رسیدگی می‌بایست سه شرط را احراز کند. اول، موضوع دعوا که باید مربوط به اعمالی باشد که مطابق قانون، تجاری محسوب می‌شوند. دوم، خصوصیت طرفین دعوا که باید تاجر باشند. سوم، ارزش دعوا که باید بیش از ۱۸۶۰ یورو باشد تا در صلاحیت قاضی صلح قرار نگیرد.

اما متن امروزی این ماده اینگونه است: دادگاه تجاری در مرحله بدوی: «... دعاوی بین بنگاه‌های اقتصادی به معنی تمام اشخاصی که یک هدف اقتصادی را مداوم دنبال می‌کنند و همچنین کلیه دعاوی که به دنبال یک هدف اقتصادی پدید می‌آید و در صلاحیت دیگر محاکم نباشد، رسیدگی می‌کند.» بنابراین دو معیار برای تشخیص صلاحیت لازم است و معیار ارزش حذف شده است. قانونگذار دیگر بر وصف تاجر تاکید نکرده بلکه به جای آن مفهوم «بنگاه

1. Commercialité

2. La court économique

3. Mougnot

4. Juge naturel

تجاری^۱ را معیار قرار داده و دیگر آنکه، متمرکز بر اعمال تجاری نیست بلکه همه اعمال بنگاه‌ها را به شرطی که در جهت هدف اقتصادی باشد، در برمی‌گیرد. ماده ۵۷۳ اضافه می‌کند که دعوا نباید مربوط صلاحیت دیگر محاکم باشد این تاکید منطقی است؛ زیرا دادگاه تجاری یک مرجع استثنایی است و از همین رو نباید وارد صلاحیت اختصاصی دیگر مراجع شود.

۳-۲-۱. مفهوم بنگاه تجاری

معیار اصلی برای تعیین صلاحیت دادگاه اقتصادی، بنگاه تجاری است. اما تعریف این مفهوم آسان نیست. قانونگذار برای تعریف این مفهوم به قانون حقوق اقتصادی رجوع کرده که برابر آن بنگاه تجاری به هر شخصی اطلاق می‌شود که یک هدف اقتصادی را به طور مداوم دنبال می‌کند؛ خواه شخصیت حقوقی داشته باشد یا یک شخص حقیقی باشد. مفهوم بنگاه، مفهومی باز است؛ بر عکس مفهوم تجارتی بودن که بر اساس لیست محدود فعالیت‌ها تعیین می‌شود. مفهوم بنگاه تجاری بر معیارهای بسیار عمومی تکیه کرده است و بر انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی صدق کند. از همین رو می‌تواند دربرگیرنده فعالیت‌های جدید و نوبی که در عرصه تجارت ظهور می‌کند، باشد. به تعبیر یکی از حقوقدانان: «مفهوم تجارتی بودن نشان دهنده قدرت قانونگذار در یک سیستم تجاری است که موجب می‌شود قاضی تنها تفسیرکننده واژه‌های قانونگذار باشد، اما با مفهوم بنگاه قدرت قضایی خود را به میانه میدان می‌آورد (اتن و دیگران^۲، ۲۰۱۳: ۶). با وجود این اعمال این معیار موجب می‌شود که امنیت قضایی کاهش یابد و به قاضی دادگاه تجاری قدرت زیادی می‌دهد تا صلاحیت خود را تعیین کند.

همانگونه که اشاره شد، تعریف بنگاه تجاری در حقوق بلژیک از قانون حقوق اقتصادی گرفته شده و قانون اخیر آن را از قانون عرف بازار و حمایت از مصرف‌کنندگان اخذ کرده است. در گزارش‌های تدوین این لایحه تصریح شده است که این مفهوم از حقوق رقابت بلژیک و حقوق اروپایی گرفته شده است. اگرچه حقوق رقابت و قانون عرف بازار اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند، ولی تفسیر مفهوم بنگاه در همه این حوزه‌ها واحد است. در تعریف بنگاه به وجود شخصیت اشاره می‌شود؛ خواه شخصیت حقیقی و یا حقوقی. بنابراین واحدی که فاقد شخصیت قانونی است، نمی‌تواند بنگاه تلقی شود. برعکس، در رویه قضایی دادگاه عدالت اروپایی، هر فعالیت اقتصادی، در هر شکل حقوقی می‌تواند بنگاه تلقی شود (سی.جی.یو.ای^۳، ۲۰۰۰: ن ۷۶). یک موسسه به راحتی می‌تواند در حقوق رقابت به عنوان بنگاه تلقی شود. خصوصیت بنگاه در حقوق رقابت همیشه با فعالیتی که بنگاه انجام می‌دهد، مرتبط است. واحدی که فعالیت اقتصادی و

¹ Enterprise .

² Autenne et.

³ C.J.U.E.

غیر اقتصادی با هم انجام می‌دهد تا جایی که مرتبط با فعالیت اقتصادی است، بنگاه محسوب می‌شود.

۳-۲-۲. عملی با هدف اقتصادی

سوال اساسی این است که منظور قانونگذار از عبارت دنبال کردن یک هدف اقتصادی چیست؟ قانونگذار بلژیک این مسئله را به طور صریح به حقوق اروپایی ارجاع می‌دهد. دادگاه عدالت اروپایی این مفهوم را به «فراهم آوری کالا و خدمات در یک بازار مشخص» (سایبونی^۲، ۲۰۰۸: پ۳۲۳) تعبیر کرده است. معمولاً دخالت دولت را نباید به نبود بازار تعبیر کرد. فعالیت اقتصادی هر جایی است که فعالین اقتصادی حضور داشته باشند و قادر به فراهم آوری خدمات مربوط باشند، حتی اگر دولت تنها بخشی باشد که در آن حوزه فعالیت می‌کند.

اصولاً، واحدی که در راستای اعمال قدرت عمومی و اعمال حاکمیتی فعالیت می‌کند، بنگاه محسوب نمی‌شود. این امر وقتی است که فعالیت مورد بحث، از اعمال ضروری دولت باشد. به عنوان قاعده‌ی عمومی، اگر دولت تصمیم به اتخاذ سیاست‌های تنظیم بازار گرفت، فعالیت‌های او در این راستا نمی‌تواند به عنوان فعالیت اقتصادی محسوب شود. در کشورهایی که سیستم تعاون اجتماعی^۳ را اجرایی کرده‌اند، واحدهایی که در سیستم تامین اجتماعی شرکت دارند، بنگاه اقتصادی محسوب نمی‌شوند. برعکس، موسساتی که خدمات مراقبت پزشکی ارائه می‌دهند، از دایره فعالیت اقتصادی خارج نمی‌شوند مانند بیمارستان‌های دولتی که بخشی از نظام خدمات سلامت ملی هستند و اعمال آن‌ها به نوعی بر اصل تعاون اجتماعی متکی است، تجاری محسوب نمی‌شوند. در همین رویکرد، آموزش، فعالیت اقتصادی شمرده نمی‌شود، اما موسسه‌ی آموزشی که مخارج آن کاملاً از سوی دانش‌آموزان تامین شود، یک بنگاه اقتصادی است. البته این رویه به شدت مورد نقد قرار گرفته و چنین گفته شده که فعالیت‌هایی که در حیطه‌ی اختیارات دولت است و همینطور فعالیت‌هایی که کاملاً اجتماعی تلقی می‌شوند، از دایره‌ی فعالیت‌های اقتصادی خارج هستند. در این نگرش، فعالیتی که به دنبال ارائه اموال و خدمات با هدف برآورده ساختن التزاماتی که قدرت عمومی باید آن‌ها را بر عهده بگیرد، اقتصادی محسوب نمی‌شود.

دادگاه عدالت اروپایی تاکید کرده است که اگر فعالیتی حائز شرایط و معیارهای تعریف نباشد، یعنی عملی با هدف اقتصادی نباشد، خرید و فروش و فعالیت‌های او، اقتصادی محسوب نمی‌شود (سی.جی.یو.ای^۴، ۲۰۰۶: ۳۰/۲۰۵). در این خصوص اگر اموالی از بازار تحصیل شود ولی

^۲ Sibony

^۳ Social coporative

^۴ C.J.U.E

در بازار دیگری عرضه نشود، واجد وصف فعالیت اقتصادی نیست. زیرا عملی که از ابتدا اقتصادی نباشد نمی‌تواند با عملیات بعدی اقتصادی شود. در واقع هدف و انگیزه‌ی اقتصادی باید به نحو طولانی پیگیری شود و مستمر باشد. اعمالی مانند بازارچه‌های موقت، که موسسات به طور موقت برای تامین مالی خود برگزار می‌کنند، از حوزه‌ی بحث خارج است. لازم به ذکر است در حقوق بلژیک برای درک بهتر بحث صلاحیت دادگاه تجاری، معمولاً لیست اشخاص و واحدهایی که می‌توانند به دادگاه تجاری رجوع کنند تا حدودی مشخص شده است.

۳-۲-۳. صلاحیت جدید دادگاه‌های تجاری

با توجه به اصلاحاتی که در حقوق بلژیک صورت گرفته است، در حال حاضر صلاحیت دادگاه‌های تجاری در حقوق این کشور به شرح زیر است:

الف) دعاوی تجاری: معیار تجاری بودن در نظام حقوقی کنونی بلژیک تمام ارزش خود را از دست نداده است، بلکه به مدد آن می‌توان به صورت اتوماتیک کوچک‌ترین جمعیتی که با این دادگاه‌ها سرو کار دارند را مشخص کرد.

ب) شرکت‌های مدنی در فرم تجاری. این شرکت‌ها به شرطی که به طور دائمی یک هدف اقتصادی را دنبال کنند، بنگاه اقتصادی به شمار می‌آیند.

ج) صاحبان حرف و مشاغل آزاد. شغل آزاد مطابق ماده ۳۵ قانون حقوق اقتصادی اینگونه تعریف می‌شود: «تمام اشخاص حقیقی و حقوقی که از لحاظ فکری مستقل و تحت مسئولیت خویش هستند و یک فعالیت حرفه‌ای که اصولاً منجر به یک خدمت فکری می‌شود، ارائه می‌دهند. این اشخاص آموزش‌های لازم را دیده‌اند و می‌باید به طور مداوم آموزش ببینند و عضو یک صنف هستند که به موجب قانون ایجاد شده و برابر ماده یک قانون تجارت، تاجر محسوب نمی‌شوند.^۱» در ماهیت امر، شناختن صاحبان حرف و مشاغل آزاد به عنوان بنگاه اقتصادی مشکل نخواهد بود. آن‌ها اموال و خدماتی را با هدف اقتصادی به صورت مداوم در بازار عرضه می‌کنند و از همین رو مطابق با تعریف بنگاه اقتصادی هستند. دادگاه قانون اساسی، به طور صریح، مقررات قانون عرف بازار را که در صدد کنار زدن مشاغل آزاد از حیثه این قانون بود، باطل کرد (دادگاه قانون اساسی^۱ / ۹ ژوئیه ۲۰۱۳). در این خصوص باید دو نکته را ذکر کرد.

اول اینکه قانون، به طور صریح، صلاحیت دادگاه تجاری را در خصوص دعاوی مربوط

1. 1.8, Code de droit économique : Toute personne physique ou morale qui de manière intellectuellement indépendante et sous sa propre responsabilité; exerce une activité professionnelle consistant principalement en des prestations intellectuelles; a suivi auparavant la formation exigée, est tenue de suivre une formation continue; est soumise à un organe disciplinaire créé par ou en vertu de la loi et n'est pas un commerçant au sens de l'article 1 du code de commerce.

^۱. Court constitutionnelle

سردفتران و وکلا استثنا کرده است. از دیدگاه قانونگذار، اعمال این دسته بسیار نزدیک به نظام قضایی است و در صلاحیت دادگاه عمومی قرار می‌گیرد. دوم، قانون حقوق اقتصادی به طور صریح، صدور دستور موقت را در خصوص توقف صاحبان مشاغل آزاد در صورت نقض مقررات بازار، در صلاحیت دادگاه عمومی قرار داد. البته دعوای ماهوی در این خصوص همچنان در صلاحیت دادگاه تجاری است، اما دستور توقف در حیطه‌ی اختیارات دادگاه عمومی است.

د) سایر افراد مستقل: افرادی که نه تاجر محسوب می‌شوند و نه در گروه صاحبان حرف قرار می‌گیرند، می‌توانند به مثابه بنگاه اقتصادی به حساب بیایند بدون اینکه به ماهیت اجتماعی یا تجاری اعمالشان توجهی شود. مانند پرستاران مستقل، هنرمندانی که از راه فروش آثارشان زندگی می‌کنند، دفاتر آموزش حرفه‌ای.

ه) کشاورزان و جامعه کشاورزی. بدون تردید کشاورزان بنگاه‌های اقتصادی محسوب می‌شود و استثنا کردن آن از حوزه تجارت تنها بر مبنای فرضی بوده که طبق آن فعالیت‌های کشاورزی تجاری محسوب نمی‌شوند. (پوتمانس^۱، ۲۰۰۷: ۳۱).

و) شرکت‌های دولتی. همانگونه که در بالا اشاره شد، نهادهای حاکمیتی از فعالیت اقتصادی خارج هستند. اما در خصوص شرکت‌هایی که دولت در آن‌ها سهم دارد و در رقابت با سایر شرکت‌های خصوصی هستند، قضیه متفاوت است مانند شرکت پست، راه آهن. در این خصوص اتفاقاً در حقوق بلژیک قانونی وجود دارد که رژیم به خصوصی را برای شرکت‌های دولتی اقتصادی^۲ ایجاد کرده است. بنابراین شرکت توزیع برق و آب و گاز هم به عنوان بنگاه‌های اقتصادی به شمار می‌آیند و رسیدگی به دعوای ایشان، در صلاحیت دادگاه تجاری قرار می‌گیرد.

ط) واحدهایی که فعالیت‌های متنوعی انجام می‌دهند. کم نیستند واحدهایی که علی‌الاصول اقتصادی نیستند اما فعالیت اقتصادی را به عنوان فعالیت جانبی انجام می‌دهند. دانشگاهی که اماکن خود را در تعطیلات اجاره می‌دهد، یا اورژانسی که به کار جابجایی بیماران غیراورژانسی می‌پردازد. همانگونه که اشاره شد، دادگاه عدالت اروپایی در شناختن ماهیت اقتصادی تنها به فعالیت نگاه می‌کند نه فرد انجام دهنده‌ی آن. بخشی از یک شخصیت می‌تواند مشغول به فعالیت اقتصادی باشد و بخشی دیگر خیر. بخشی که به فعالیت اقتصادی اشتغال دارد تحت قواعد و ضوابط بنگاه‌های تجاری درمی‌آید.

^۱. Puttemans

^۲. Loi du 21 mars 1991

نتیجه گیری

هدف و مقصود قانون تجارت از جدا کردن اعمال تجاری از اعمال مدنی براساس مبانی است که لزوماً در بحث تشکیل دادگاه تجاری کارایی ندارد. به عبارت دیگر ضرورت ایجاد دادگاه تجاری و مبانی آن با مبانی که قانون تجارت براساس آن تدوین شده، برابر نیست. این نکته از مطالعه تطبیقی نیز بر می آید. قانونگذار بلژیک به طور صریح از دایره اعمال تجاری فراتر رفته است و صلاحیت دادگاه تجاری را به کلیه فعالین حوزه اقتصاد که بتوانند حائز عنوان بنگاه اقتصادی شوند گسترش داده است. تشکیل دادگاه تجاری تمهیدی است که کلیه فعالین اقتصادی از آن بهره‌مند می شوند نه صرفاً کسانی که از دید قانونگذار و براساس مبانی حقوق تجارت، تاجر محسوب می شوند. تکیه بر معیار تجاری بودن در قانون تجارت نمی‌تواند انتظارات را از این دادگاه‌ها برآورده سازد زیرا بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در کشور ما بدون اینکه از لحاظ قانون تجاری محسوب شوند، سهم زیادی در اقتصاد دارند. برای مثال فعالیت‌های کشاورزی، دعاوی که در این حوزه قرار می‌گیرد در صلاحیت دادگاه تجاری قرار نمی‌گیرد، در حالی که بخش کشاورزی سهم بزرگی از اقتصاد ایران را در برمی‌گیرد. در مقدمه‌ی توجیهی لایحه‌ی آیین دادرسی تجاری به رشد و توسعه و بهبود شاخص‌های اقتصادی تاکید شده است. امور اخیر لزوماً با هدف قرار دادن اعمال تجاری محقق نمی‌شود. برای رهایی از این تناقض دکتین حقوق بلژیک در پشت سر گذاشتن ایده‌ی دادگاه تجاری و تاسیس دادگاه اقتصادی می‌تواند نمونه‌ی خوبی برای تغییر رویکرد حاکم در تشکیل این دادگاه‌ها باشد. پذیرش مفهوم بنگاه اقتصادی آنگونه که شرح آن آمد می‌تواند بدون ایجاد ابهام معیار منطقی در تشخیص صلاحیت محاکم حوزه اقتصاد و بازرگانی باشد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- افتخار جهرمی، گودرز و خراسانی، سید علی (۱۳۹۶). **تبیین اصول و قواعد دادرسی تجاری و ارزیابی کارایی آن از منظر تحلیل اقتصادی حقوق**، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱.
- قاسمی حامد، عباس و غفوری اصل، غزل (۱۳۹۵). **لزوم احیا دادگاه‌های تجاری در ایران**، تحقیقات حقوقی شماره ۷۳.

References:

- Ad hoc committee Business Courts(۱۹۹۷). Towards A More Efficient Judiciary, The business lawyers, 52(۳): 947-963
- Autenne, et Thirion(2013). L'agent économique : du commerçant à l'entreprise?, in Chroniques d'actualité en droit commercial, for formation C.U.P. Bruxelles, Larcier.
- Baum, Judicial Specialization, Litigant Influence, and Substantive Policy: The Court of Customs and Patent Appeals, Law & Society law Review, 2000, Vol. 11
- Dimitri Houtcierff(2016). Droit commercial, Sirey, Collection : Sirey université, 4^e édition.
- Edward K(2008). The Myth of the Generalist Judge, Stanford Law Review, 61(12):1-47
- Frank H. Easterbroo(1989). Afterword, on being a commercial court, Chicago law review, 2(65): 887-881.
- John, Kat(1998). z, Access to Justice from the Perspective of the Commercial Community: Judicial Specialization, Auckland university law review.
- Loic Cadiet, Emmanuel Jeuland(2009):, Droit judiciaire privé, Lexis Nexis.
- Michael Hwang(2015). Commercial courts and international arbitration—competitors or partners? Arbitration international, 2(31): 193–212.
- Mougenot(2014). Les nouvelles compétences de tribunal de commerce, Journal des tribunaux 31.
- Puttemans(2007). « Le champ de la commercialité », in Bicentenaire du Code de commerce, Bruxelles, Larcier.
- Revesz(1990). Specialized Courts and the Administrative Lawmaking System, 138 U. Pennsylvania law review.
- Sarang vijay Damle(2005). Specialize judge not courts: a lesson from the German constitutional court, Virginia law review, 91(5): 1267-1311
- SIBONY, fourniture de biens et services sur un marché déterminé(2008). Le juge et le raisonnement économique en droit de la concurrence, Paris, L.G.D.J.
- Verougraete et J.-P. Lebeau(2014).Transferts de compétences: le tribunal de commerce devient le juge naturel de l'entreprise», R.D.C.